

<b>۲</b>
<b>سه شنبه</b> ■ ۱۶ خرداد ■ شماره ۱۶۱
<b>سرمقاله</b>

### دیلپناماسی فرهنگی و استیصال رقصندگان با شمشیر

امیر مقدرور مشهود – دبیر سرویس سیاسی

تنش و درگیری ما بین کشورهای عربی در حال فزونی است. ترامپ که از قرارداهای تسلیحاتی در خاورمیانه سرمست شده بود، از وقایع ۲۴ ساعت گذشته مات و مبهوت شده است. در این شرایط او صلاح را در این دیده که توحشها را به وقایع لندن معطوف کند و به خاورمیانه اهمیت ندهد. عربستان و متحانش در خواب هم نمی‌دیدند که کشور کوچکمانند قطر ماهیت تفکر استراتژیک انها را با چالش مواجه کند. از همین امروز تجار ایرانی به فکر صادرات مواد غذایی به قطر هستند. کشورهای مستقل هم واردات گاز و نفت از قطر را برای خود غنیمت می‌شمارند و به هیچ وجه حاضر به چشم پوشی از آن نیستند. اگر کسی تصور کند که ایران در این اتفاقات بدون بهره می ماند سخت در اشتباه است. بهره‌ی ایران فقط محدود به تجارت و اقتصاد نخواهد بود. آنچه که در این شرایط موجب استهلاک سلاح‌های نظامی عربستان می‌شود، دیپلماسی فعال و منحصر به فرد فرهنگی ایران است. دیپلماسی که نه به افراد ربطی دارد و نه مختص امروز و دیروز است. بازبینی تاریخ سیاسی ایران نشان داده که آغوش باز ایرانیان برای پذیرش اقوام و مردم مختلف با آداب و آدیان و سنن متفاوت در این شرایط راهگشای بسیاری از مسائل بوده است. این سنت که ریشه در شیوهی حکم رانی ایران باستان دارد بستر مناسبی برای ماوا گرفتن مردم خاورمیانه بوده است. تنوع فرهنگی در نجد ایران موجب شده که در کنار واژه سیاسی ایران، از ایران فرهنگی نیز نام برده شود. این تنوع فرهنگی نه تنها موجب افزایش ظرفیت سیاسی برای تامل با دیگران شده بلکه تداوم حضور در کلیه تعاملات منطقه‌ای را شکل تری هدفت. دولتمردان عربستان گمان می‌کردند که با توافق هسته‌ای ایران از یک سو و خرید سلاحهای فوق پیشرفته توسط خودشان از سوی دیگر موازنه‌ قدرت در منطقه را به نفع خود برگردانده‌اند. انجا هیچ وقت نمی‌توانست درک درستی از ماهیت فرهنگی ایران در منطقه داشته باشند. احترام و به رسمیت شناختن کلیه سنتها و فرهنگهای زیستی مردم منطقه که در تجربه تاریخی دیوانسالارهای ایرانی مسئله و از هر صلاح و قراردادی با نفوذتر و باتیات تر است. حاکمین عربستان هیچگاه خارج از دریچه قبیله گرایی امکان درک تحولات بین‌المللی را نداشته‌اند. به همین دلیل اختلافات پیش آمده میان آنها و قطر به هیچ عنوان برای آنها قابل هضم نیست. در این شرایط ایران باید نشان دهد که از چه ظرفیتهای برای حل مناقشات منطقه‌ای برخوردار است. ظرفیتی که نه به چرخش سانتیفره‌ها ربطی دارد و نه اشخاصی خاص هدایت آن را به عهده دارند. این یک خلصت فرهنگی تاریخی نزد ماست.

### روح پدربش میانجیگری با قطر را رد کرد

تازنمای روزنامه الحیات وابسته به عربستان به نقل از برخی از منابع شورای همکاری خلیج فارس تاکید کرد که موضوع میانجیگری جهت ازسرگیری روابط عادی عربستان با قطر در حال حاضر منتفی است.

به گزارش نامه نیوز، روزنامه الحیات چاپ لندن به نقل از این منابع که نام آنها را ذکر نکرد، نوشت: لارمه ازسرگیری مناسبات میان قطر از یک سو و عربستان، امارات، بحرین و مصر از سوی دیگر آن است که دوحه سیاست های خود را تصحیح کند و به وعده هایی که به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس داده بود، عمل کند. این روزنامه سعودی همچنین به نقل از یک منبع مصری افزود: عادل الجبیر وزیر امور خارجه سعودی و سامح شکرى متهانى مصرى وی امروز در حاشیه نشست‌های کمیته مشتروی دوحا،بنه پیامد‌های بحران به وجود آمده بر اثر اظهارات اخیر شیخ تمیم بن حمد امیر قطر و همچنین شاه خالی کردن دوحه از بیانه اجلاس عربی، اسلامی، آمریکایی رایض را مورد بحث و بررسی قرار خواهند داد. وزیران امور خارجه مصر و عربستان همچنین درباره تالاش برخی از کشورها جهت پادرمیانی به منظور حل و فصل بحران یاد شده تبادل نظر خواهند کرد. بر اساس توافق به عمل آمده میان مصر و عربستان، تغییر سیاست های قطر در مورد ایران و حمایت مادی و معنوی دوحه از سازمان های تروریستی و حضور سران گروه اخوان المسلمین و تندروها در این کشور، شرط اصلی پذیرش واسطه‌های به عمل آمده جهت حل و فصل بحران میان قطر با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و مصر به شمار می آید.

## زاکانی خواستار ورود جدی مجلس به موضوع «محکومیت گازی ایران» شد



محمد علی تجفی وزیر پیشین آموزش و پرورش در خصوص سند ۲۰۳۰ به ایراد توضیحاتی مبادرت کرده است. وی گفت: در سند ۲۰۳۰ برای توسعه ی پایدار ۱۷هدف اصلی و ۱۶۹هدف جنبی مشخص وهدف چهارم وپنجم تضمین آموزش با کیفیت، فراگیر و مادام العمر برای همه و دستیابی به تساوی جنسیتی و توانمندسازی زنان ودختران عنوان گردیده و برآموزش به عنوان عامل موثردر رسیدن به اهداف سند با تاکیدبرحاکمیت ولایتی ها و ظرفیت های ملی، تمامیت و استقلال ارضی کشورها و عدم تعارض با ویژگی‌های هر کشور لحاظ شده است. اینچونکه گروه جنبوی نیز با حضور ۱۲۰ وزیر و ۱۶۰ کشور با محوریت آموزش به عنوان اصلی ترین هدف وبه صورت کیفی،

برابر و مادام العمر برای همه بیانیه ای توسط یونسکو تهیه و تنظیم و شناخت آموزش به عنوان مهمترین پیشران آموزش وپرورش ومجروحوسعه پایدارمنظرقرار می گیرد.

دکرتجفی با یادآوری این نکته که آموزش یکی ازحقوق انسان ها برای توانمند شدن است افزود: اختصاص لاقفل ۶تا۴ درصدGDPکشورها به آموزش از اهداف ۲۰۳۰ است ودر سال۲۰۱۷به طور متوسط ۵درصدGDP و۱۲٫۷درصد بودجه عمومی دولت ها به آموزش اختصاص داشته که درایران از لحاظ اختصاص بخش دولتی به ۱۳٫۷ نزدیک ودر GDP کمتر می باشد.

مشاور رئیس جمهوردر بحث دیگری از سخنانش کم اطلاعاتی از محتوای سند ۲۰۳۰در سطح جامعه و عدم تبیین مناسب این سند توسط وزارت آموزش وپرورش ودولت را از مواردی خواند که عمدتا دست آویز سوء استفاده ابزاری از این سند شده است و گفت: اهمیت تساوی جنسیتی در آموزش که به یک مانع جدی در افزایش کشورها تبدیل شده و با سوءاستفاده از این واقعیت که اکثر مردم سند را نخوانده اند، سوء استفاده از ۲۴۶ میلیون دختر و پسر در داخل اطراف این وزارت‌خانه از عملیاتی شدن این مهم حمایت خواهد کرد.

**حسین انتظامی معاون مطبوعاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:**

**روشنگری دکترمحمدعلی نجفی ، وزیر پیشین آموزش و پرورش درباره سند ۲۰۳۰**

## آموزش یکی از حقوق اساسی تمام انسان‌ها است

مدرسه در دنیا که بخش عمده ای دختران می باشند و لزوم احساس امنیت زنان ودختران موجب شد آموزش جامع جنسی مبتنی برآگاهی بخشی وپیشگیری منطبق بر مسائل ملی و محلی با تاکید براین که درآموزش، محتوا و… هیچ اجباری وجود ندارد درسال ۹۵ به صورت سندملی ۲۰۳۰توسط یونسکو تهیه و درآن در دوجا صرفا به صورت تنظیم خانواده اشاره شده.

وی افزود: متعقدم بسیاری از منتقدین هیچ کدام از۴سند (راهزاره سوم، ۲۰۳۰ سازمان ملل،بیانیه ۲۰۱۵،اینچنون و سندملی یونسکو) راتخوانده وسوءاستفاده ای که از موضوع سند شده حاکی از بی اخلاقی بخصوص در هنگامه انتخابات بود. لازم به ذکر است در هیچ جای سند ادعاهای مطرح شده در داخل مانند لزوم آموزش همجنسگرایی و خودارضایی و مسائلی از این دست وجود ندارد و حتی در کل سند یک بار هم چنین کلماتی نیامده است ولی در ایران گروهی این مسائل را ساخته و با سوءاستفاده از این واقعیت که اکثر مردم سند را نخوانده اند، چنین موضوعات ناروایی را مطرح می‌کنند.

## رویکرد اصلی وزارت ارشاد ارتقای سواد رسانه‌ای خبرنگاران است



معاون مطبوعاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در خصوص رویکرد این وزارت‌خانه در مورد فعالیت‌های خبرنگاران گفت: رویکرد اصلی این وزارت‌خانه در سال جاری فراهم کردن زمینه‌ای مناسب برای ارتقای سواد رسانه‌ای خبرنگاران سراسر کشور است. در همین راستا در سال جاری کلاس‌های آموزشی رایگان به صورت آنلاین برای تمامی اعضای خانه مطبوعات سراسر کشور برگزار می‌شود تا همگان از این فضای آموزشی به وجود آمده استفاده کنند. به گزارش خبر آنلاین

وی یکی از دلایل خانه‌دوشی خبرنگاران نبود رابطه بیمه‌ای

## سند ۲۰۳۰ چیست؟

عبارتند از:

۱-پایان دادن به فقر در تمامی اشکال آن در همه جا
۲-پایان دادن به گرسنگی، دستیابی به امنیت غذایی و بهبود تغذیه و ترویج کشاورزی پایدار
۳- تضمین زندگی سالم و ترویج رفاه برای همه در تمام سنین

۴- تضمین کیفیت آموزش فراگیر و عادلانه و ایجاد فرصت‌های یادگیری مادام العمر برای همه
۵-دستیابی به تساوی جنسیتی و توانمند سازی تمام زنان ودختران
۶-تضمین در دسترس بودن و مدیریت پایدار آب و فاضلاب برای همه
۷-تضمین دسترسی به انرژی ارزان قیمت، قابل اعتماد، پایدار و مدرن برای همه
۸-ترویج رشد فراگیر و پایدار اقتصادی، اشتغال کامل و مولد و شغل مناسب برای همه
۹- ایجاد زیرساخت انعطاف پذیر، ترویج صنعتی سازی

## شرفی: اصلاح‌طلبان روندهای اعتمادسوز را متوقف کنند

زیادی مشخص بود. برای کرسی زنان در این تخصص خانمها نژادپهرام (انجمن روزنامه‌نگاران زن) و

ملیحه باقری (مستقل) معرفی شدند. نکته جالب در این کرسی حضور خانم نژادپهرام با مدرک دکتری علوم سیاسی در تخصص معماری و شهرسازی در کنار خانم ملیحه باقری با مدرک دکتری معماری بود که البته با توجه به اینکه کاملاً قابل پیش‌بینی بود که فرد دوم فاقد دفاع مستقیم بر جلسه نهایی است ورود خانم نژادپهرام از این سهمیه به لیست نهایی مسجل بوده است. رقابت برای کرسی دوم معماری که به جوانان اختصاص داده شده بود بین آقایان علی اعطا (اتحاد ملت) و حسین احمدی (مستقل) شکل گرفت. در این کرسی آقای اعطا دارای مدرک تخصصی معماری بود اما در کنار آقای احمدی با مدرک تخصصی عمران قرار گرفته بود که علی‌القاعده باید در تخصص عمران و حمل و نقل قرار می‌گرفت. در این کرسی هم مشخص بود که آقای احمدی با اینکه عضو سابق انجمن اسلامی دانشگاه تهران بود اما به دلیل اینکه فاقد مدافع مستقیم در جمع نهایی است شانس برای رقابت با آقای اعطا که مورد حمایت حزب اتحاد بود ندارد و شاید هم تمعنا از تخصص عمران به این سهمیه آورده شده بود تا پیروزی نامزد مورد حمایت حزب اتحاد را تسهیل کند. اما آقایان غیرجوانی که در تخصص معماری بودند این شانس را داشتند که در یک کرسی یاقیافته نامیده شوند که به این ترتیب آقایان حبیبزاده (حزب کار) با نوذربوری (مستقل) برای رقابت در نظر گرفته شدند. از نکات جالب این کرسی باقی‌مانده هم مدرک مهندسی مکانیک و دکتری علوم سیاسی آقای حبیب زاده است که علی‌القاعده باید در سهمیه تخصصی دیگری قرار می‌گرفت با این حال چنانکه قابل پیش‌بینی هم هست ایشان به راحتی و با رای با آقای نوذربوری را که مانند بسیاری از افراد دیگر در جمع نهایی فاقد مدافع مستقیم بود پشت گذاشت.

ج) از سه کرسی امور اجتماعی یک کرسی به زنان و یک کرسی به دختران جوان اختصاص داده شده بود. در کرسی زنان یکی از جالب‌ترین رقابتها شکل گرفت و خانمها املی و میرسارلو (هر دو عضو کارگزاران) با هم رقابت کردند که کاملاً درون جزئی بود و به عبارتی باید گفت این کرسی نه به زنان اصلاح‌طلب که به شاخه زنان کارگزاران اختصاص داده شده بود. رقابت بر سر کرسی دختران جوان هم بین خانمها آروین (نزدیک به اتحاد ملت) و رضایی (اتحاد ملت) شکل گرفت که ظاهراً این سهمیه هم به شکل طبیعی برای اتحاد ملت در نظر گرفته شده بود. در کرسی سوم امور اجتماعی هم رقابتی نرابراب بین آقایان مسجد جامعی (بنیاد باران) و فرنیان (حزب کار) برگزار شد. اگر این کرسی به جوانان اختصاص داده شده بود شاید آقای فرنیان شانس بیشتری داشت اما در هر حال رقابت با فردی مثل مسجدجامعی چندان بری وی نتیجه‌بخش نبود و به این ترتیب تکلیف کرسی هفتم شورای شهر هم مشخص شد.

د) دو کرسی امور فرهنگی و آموزشی هم یک کرسی سهم دختران جوان بود که رقابت بین خانها فخاری (عدالت و آزادی) و پرهوزاد (اتحاد ملت) هر دو با تخصص کارآفرینی شکل گرفت که نماینده سازمان عدالت و آزادی موفق به حضور در لیست نهایی شد. در کرسی دوم هم یک رقابت درون گروهی بین آقایان خلیل‌آبادی و الحسنینی (هر دو عضو انجمن اسلامی معلمان) برگزار شد و به نظر می‌رسد کرسی نهم از قبل برای انجمن اسلامی معلمان رزرو شده بود.

ه) رقابت برای دو کرسی عمران و حمل و نقل که به آقایان غیرجوان اختصاص داده شده بود بین آقایان محسن هاشمی (کارگزاران)، تقویان (مجمع دانش‌آموختگان)، سرخو (حزب کار) و علیخانی (حزب جوانان) شکل گرفت که در نهایت محسن هاشمی و علیخانی هر دو با تخصص حمل و نقل انتخاب شدند و دو نماینده عمران از راهایی به لیست نهایی بازماندند. با اینکه تقویان شانس کمتری برای رای‌آوری در جمع نهایی داشت اما این هم از عجایب سهمیه بندی و اوج هنر دویستان اصلاح‌طلب بود که در نهایت تخصص مهم عمران هیچ سهمی از لیست شورای شهر نیافت. شاید اگر این دو تخصص از یکدیگر تفکیک شده بودند لاقفل در مجموع نتیجه تخصصی بهتری حاصل می‌شد. حذف سرخو از این سهمیه یکی از مهمترین دلایل انتشار لیستهای موازی بعدی توسط حزب کار بود.

و) اما از جلوبهای جالب مهندسی لیست دو سهمیه تخصصی محیط زیست است که قبلا به زنان و جوانان اختصاص داده شده بود. در سهمیه زنان این تخصص خانم صرااعظم نوری (اتحاد ملت) با مدرک تخصصی محیط زیست باید با فردی نسبتاً گمنام یعنی خانم طاهره طاهریان (از زنان اصلاح‌طلب) و دارای تخصص مدیریت ورزشی رقابت می‌کرد که مشخص بود رقابت سختی ندارد. به همین ترتیب در سهمیه جوانان هم آقای آرش میلانی (اتحاد ملت) با تخصص مدیریت منابع آب باید با فرد گمنام دیگری یعنی آقای زمانی نوری (مستقل) که دارای دکتری عمران گرایش آب بود و احتمالاً هیچ حامی مستقیمی در جمع نهایی نداشت رقابت می‌کرد که نتیجه این رقابت هم معلوم بود. بنابراین در حالی که بسیاری از نامزدهای مطرح و بنام در حوزه محیط زیست شانس قرار گرفتن در ۴۲ نفر نهایی را نیافته بودند چنین ترکیبی این طن را تقویت می‌کند که در هیات ریسه شورایعالی توافق شده بود دو سهمیه محیط زیست برای حزب اتحاد کنار گذاشته شود.

ز) از نکات جالب دیگر در لیست تخصص امور مالی و بودجه است که یک سهمیه آن به جوانان اختصاص یافت و آقای حجت نظری (اعتماد ملی) با مدرک کارشناسی حقوق در کنار آقای ایوب فرامرزی (مستقل) با دکتری آمار قرار گرفت که به شکل طبیعی چون آقای فرامرزی فاقد مدافع مستقیمی در جمع نهایی بود حذف شد. در سهمیه دیگر هم آقای رسولی (بنیاد امید) با مدرک دکتری مدیریت، رقابت سختی با حکیمی‌پور (اراده ملت) و دارای دکتری حقوق داشتند که در نهایت به حذف حکیمی‌پور انجامید. حضور افراد بدون توجه به مدرک تحصیلی آنها در این سهمیه و بخصوص قرار گرفتن سوال برانگیز نام آقای حکیمی‌پور در این تخصص در حالی که می‌توانست در تخصص خودش یعنی حقوق شانس بیشتری داشته باشد از نکاتی است که پاسخگویی به آنها می‌تواند ابهامات موجود را دربراه کرسیهای هفدهم و هیجدهم شورای شهر برطرف نماید.

ح) کرسی نوزدهم شورا به امور حقوقی اختصاص داشت و آقایان امینی (اعتماد ملی) و علیزاده طباطبایی (کارگزاران) هر دو با تخصص مرتبط، جدی‌ترین رقابت را برای کسب این کرسی در جمع نهایی شکل دادند که در نهایت کارگزاران برخلاف پیش‌بینی اولیه یک کرسی مهم را به اعتماد ملی واگذار کرد. در این حال کارگزاران بر خلاف حزب کار این قدر خوشتن‌دار بود که به خاطر یک کرسی باژی را به هم تزند. در این کرسی البته بسیاری از زنان و جوانان شایسته به دلیل اینکه این کرسی به مردان غیرجوان اختصاص داشت شانس خود را برای حضور در لیست نهایی کاملاً از دست داده بودند.

ط) براساس توافق انجام شده در هیات ریسه شورایعالی کرسی بهداشت و سلامت و خانمها اختصاص یافته بود و خانم خداکریمی (نزدیک به اتحاد ملت و بنیاد امید) با خانم مروتی (اعتماد ملی) احتمالاً رقابت سختی داشتند که در نهایت برخلاف کرسی حقوقی این بار اعتماد ملی توفیقی به دست نیاورد و خانم خداکریمی به لیست نهایی راه یافت. در این تخصص چنانکه گفته شد آقایان کاندیدای اعم

ی) جوان و غیرجوان هیچ شانس برای حضور در لیست نداشتند. ی) آخرین کرسی شورای شهر به خدمات پیشرفته و شهر هوشمند اختصاص داشت جایی که آقایان فراهانی (ننای ایرانیان) و نادمی (بنیاد امید) باید با هم رقابت می‌کردند و در این رقابت البته نماینده بنیاد امید شانس زیادی برای موفقیت نداشت چون باید با تنها کاندیدای بازمانده حزب ندای ایرانیان مواجه می‌شد که بعد از سهمیه‌بندی‌های غیرشفاف اکثر آنها حتی به جمع ۱۵۰ نفره هم راه نیافته بودند. نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد اولین تجربه جدی اصلاح‌طلبان برای ائتلاف فراگیر با وجود کاندیدهای بسیار زیاد علیرغم پیروزی در نتیجه اما در فرآیند با مشکلات و ابهامات زیادی مواجه بوده که برخی از آنها اجتناب‌ناپذیر اما بیشتر آنها با درایت و به شرط اعلام قبلی قابل مدیریت بوده است. برای مثال سهمیه‌بندیهای شفاف و دقیقاً متنظر با تخصص‌های افراد در نظر گرفتن سهمیه‌های سنی و جنسیتی به شکلی که باعث حذف قطعی بخشی از داوطلبان نشود و در نهایت ملاک قرار گرفتن امتیازات کسب شده در مرحله بعدی است و جای گزینش افراد گمنام و فاقد شانس برای رقابت صوری با کاندیداهای صاحب نام و دارای حامی از موردی است که باید در موارد مشابه بعدی مد نظر قرار گیرد.

E-mail: mostagheldaily@gmail.com



### سیاسی

### یادداشت روز

### سیر زندگی در فضا

جواد شقاقی- روزنامه‌نگار

جامعه را که می‌نگری و مردم را که نگاه می‌کنی، همه را آویخته بر نشانه‌های بی‌شنایمی بینی که در فضا و زمانی بریده از مکان، شاورزند. تو گویی خاک دیگر بی‌بم‌تر گشسته و تن‌ها خشکیدانند و مردمان چون برگ‌های خزان با هر نسیمی از بوت‌های به روی بوت‌های دیگر می‌افتند.

گویی خون‌ها دیگر بی‌اثر شده‌اند و همگان بریده از ریشه، گمنام و بی‌نشان هستند. علقه‌ها از زمین کنده شده و بر فضا بسته شده‌اند. بی‌خانمانی تقدیر در این جماعت روشنفکرنمای جهان‌وطن است. در جهان بودن و بااشیدن در جهان، جای خود را به سیر کردن در فضا داده است. دیگر ستارگان را نه در بالای سرمان بلکه در روبرویمان و در پرده سینما مشاهده می‌کنیم.

جدای از فضاهای همگانی چون ویترین مغازه‌ها و فضاهای عمومی شهری و نقش‌ها و تصاویر، هر کسی برای خودش فضایی خصوصی جدای از دیگران و بریده از مکانی که در آن قرار دارد، درست کرده است؛ در اتوبوس و مترو هر کسی با یک گذرنامه‌ی فضای شخصی خودش وارد؛ هر فردی در ماشینی با شیشه‌های دودی و آهنگ‌های دلخواهش فضایی برای خودش درست کرده است. اتوبوس هر چقدر قراضه و خراب باشد مهم نیست: صندلی‌ها هر چقدر نامناسب باشند اصلاً ایرادی ندارد؛ راننده هر طوری که می‌خواهد براند، تنها چیزی که مهم است این هست که باطری گوش‌ی‌مان خالی نشود تا مبادا از فضایی که برای خودمان درست کرده‌ایم خارج شویم.

هوای داخل مترو هر چقدر نامطبوع و گرم باشد برای‌مان قابل تحمل است؛ از ازدحام جمعیت اگر نفس‌مان بند بیاید باز شکایتی نداریم به شرطی که فضای خودساخته‌مان به هم نریزد؛ خیابان‌های شلوغ و کیف و نارمی‌بینیم چشم‌مان فقط به ویترین مغازه‌ها و صورتک‌های نقاشی شده دور و برمان است.

دیگر کسی نمی‌گوید وطن من! سزمین من! ديار من! همه می‌گویند نت من، کاتال من، وبلاگ من، سایت دلخواه من. دیگر کسی نمی‌گوید اینجا کشور من است و ما ایندهای می‌توان استفاده‌های کسی دلشوره آب و خاکی که در آن زندگی می‌کند را ندارد؛ کسی از بازگویی حماسه‌های ناکااش خبری ندارد؛ کسی در وجودش، به وجد نمی‌آید؛ دیگر کسی برای همبستگی ایل و تبارش کاری نمی‌کند.

از این روی دغدغه‌های‌مان نه کم‌آبی، نه آلودگی هوا، نه خشک شدن دریاچه‌ها و تالاب‌ها، بلکه سرعت پایین اینترنت، وضوح تصاویر، قطع نشدن جریان اشتغال نهانی‌های صرفی … و … هفتاد درصد من از نوشتن این یادداشت تأکید بر نوعی از رابطه با محیط و محل زندگی و نیز با دیگران است که تحت عنوان رمانتیسم از آن یاد می‌شود. رمانتیسم جنبشی بود که در مقابل عقل‌گرایی شکل گرفته. در برابر عقل‌گرایی که بر خرد انسانی تأکید دارد، رمانتیسم بر نقش احساسات در زندگی انسان اهمیت می‌دهد و از راه‌های نازآموده و غیر معمول برای حل مسائل حمایت می‌کند. رمانتیسم بر تجربه شورمندانة زندگی و بالا بردن غسای آن اهمیت فراوان می‌دهد. رمانتیسم انسان را دارای رابطه‌ای انداموار با محیط زندگی و طبیعت و دیگر هم‌نوعان می‌بیند و آنها را دارای یک روح واحد می‌داند. در سیاست، رمانتیسم بر ملی‌گرایی و خاص بودگی روح ملی، اجتناب از توده‌گرایی و احترام به آب و خاک تأکید دارد.

رمانتیسم سیاسی به دلیل برخی تجربه‌های تاریخی به مانند آلمان نیمه اول قرن بیستم چهره چندان موهجی از خود برجای نگذاشته، اما باید یادآوری نمود که از هر ایده‌ای می‌توان استفاده‌های گوناگونی برد و از این روی ایده‌ها و آموزه‌های سیاسی و اجتماعی را باید در نسبت با هر موقعیت عملی که در آن به کار برده می‌شوند مورد سنجش قرار داد. صرف یک یا چند تجربه تاریخی نامناسب نمی‌تواند دلیلی بر کنار گذاشتن میراثی از اندیشه بشری باشد.

در طول تاریخ ایران ما کمتر مقطعی را شاهد بوده‌ایم که ارتباط با اجتماع و محل زندگی مبتنی بر رابطه‌ای رمانتیکی باشد اگر هم چنین رابطه‌ای بوده، اختصاص به محیط محلی زندگی افراد داشته و نه جامعه و کشور در ابعاد کلی آن. حتی در طول جنگ هشت ساله ایران و عراق نیز دفاع از آب و خاک کشور براساس عقیده دفاع از اسلام و حکومت اسلامی بود نه براساس رابطه رمانتیکی با کشور و اجتماع کلی. با ایجاد شدن شرایط جدید در فضای بریده از مکان، این مساله حادتر شده است.

به نظر می‌رسد برخی از مشکلات اجتماعی‌ای که جامعه امروز ما با آنها دست به گریبان است نمی‌توانند بدون ایجاد روحیه ملی و احساس تعلق خاطر افراد به کشور، قابل حل باشند. تلاش‌ها و دزدی‌ها، نبود وجدان کاری، ضرر رساندن به اموال عمومی، عدم توجه به مشکلات زیست محیطی، بی‌علاقگی نسبت به آینده کشور و غیره، تماماً به این دلیل شکل می‌گیرند که ما خودمان را جزئی از جامعه تلقی نمی‌کنیم و کشور را متعلق به خودمان نمی‌دانیم.